پشت ویترین

انسان‌شناسی مناسک محرم

نشر آرما کتاب «آیین و اسطوره در ایران شیعی؛ انسان‌شناسی مناسک عزاداری محرم» به قلم جبار رحمانی را منتشر کرد. نگاه مناسکی و آیینی به واقعه دلخراش و غم انگیز عاشورا یکی از جدی ترین عوامل بقا و ماندگاری این ورق از تاریخ بوده است. پس از شهادت امام حسین (ع) سفارش به زنده نگه داشتن این بُعد در بین شیعیان یکی از ضروریات زیست اجتماعی و فردی محسوب می شود. مطالعه این نظام مناسکی از منظر علوم جدید و به ویژه انسان شناسی برای فهم فرهنگ شیعیان اهمیتی خاص دارد. کتاب تازه منتشر شده نشر آرما سعی کرده است به موضوع انسان شناسی مناسک عاشورایی بنگرد و با تعریف این مسئله و مطالعه تاریخی مناسک عاشورایی در بین شیعیان، انسان شناسی مناسک عزاداری محرم را تحلیل و بررسی کند. نشر آرما پیش از این کتب درخور توجهی را درباره مناسک و آیین های مذهبی شیعی و بررسی های مرتبط با آن منتشر کرده است که می توان به آثاری چون: «تراژدی جهان اسلام»، «آیین نیکی»، «آیین های تلویزیونی، بازنمایی حزن و فرح مذهبی»، «تصوف ایرانی و عزاداری عاشورا»، «عاطفه‌گرایی و عقل گرایی در مراسم مذهبی»، «مجالس مذهبی در ایران معاصر» و «پیاده روی اربعین» اشاره کرد.

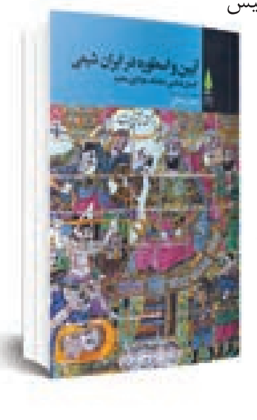

انتشار سروده‌های سهراب سپهری برای کودکان

«چک چک چلچله از سقف بهار» عنوان گزیده شعرهایی از سهراب سپهری است که به تازگی با تصویرگری هدا حدادی منتشر شده است. در بخشی از این کتاب می خوانیم: «من به آغاز زمین نزدیکم/نبض گل ها را می گیرم/آشنا هستم با سرنوشت تر آب، عادت سبز درخت» در گزیده ای دیگر آمده است: «در گشودم: قسمتی از آسمان افتاد در لیوان آب من/آب را با آسمان خوردم» بر این اساس در مقدمه این کتاب به قلم دکتر ایرج پارسی نژاد می خوانیم: «سهراب تا پایان عمر، کشف و شهود کودکی اش را با خود نگاه داشت و به آن عمق و معنای بیشتری بخشید.

او بر آن بود که: «تا شقایق هست زندگی باید کرد و همواره کوشید تا در حال زندگی کند.» همچنین می خوانیم: «شعر سهراب، سبک و ساختار خاص خود را دارد. در سطر سطر شعر او می توان صورتی ذهنی و تصویری شاعرانه یافت. از این رو کودکان و نوجوانان می توانند به سادگی با جهان شاعرانه او ارتباط یابند. چنین است که در نقد و بررسی شعر او نمی توان صورت و ساختاری یک دست و منسجم که در آثار معاصرانش می بینیم، بیابیم.»

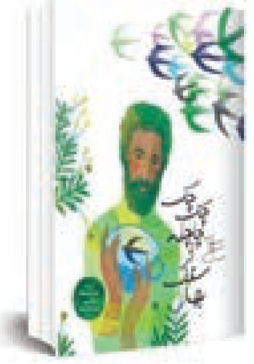

اخبار

«ویولون‌زن روی پل» فردا در مشهد

یوسف اسماعیل زاده، معاون فرهنگی سازمان فرهنگی شهرداری مشهد، در گفت و گو با خبرنگار خبرگزاری کتاب ایران، درباره اقدامات این معاونت در حوزه کتاب خوانی و جشن امضای کتاب «ویولون زن روی پل» بیان کرد: تبلیغات محیطی آیین رونمایی و جشن امضای کتاب «ویولون زن روی پل» با هدف پرداختن به موضوع های اجتماعی و معرفی رویدادهای فرهنگی و آثار چاپ شده ارزشمند در شهر مقدس مشهد انجام شد و این اتفاق به مرور برای دیگر آثار مکتوب نیز انجام خواهد شد. وی ادامه داد: در اجرای این رویداد فرهنگی مجموعه های زیادی دخیل هستند، اما سازمان فرهنگی شهرداری مشهد با هدف تحقق رسالتش که معرفی کتاب های خوب به جامعه است، مسئولیت اطلاع رسانی این رویداد را برعهده گرفت.

وی افزود: از مدتی قبل، سازمان فرهنگی شهرداری مشهد با همکاری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خراسان رضوی معرفی کتاب های خوب به شهروندان مشهدی را از طریق تبلیغات محیطی در دستور کار قرار داد و امیدوارم این رویکرد و برنامه ها سرانه کتاب خوانی در شهر را به مرور افزایش دهد. مراسم رونمایی و جشن امضای کتاب «ویولون زن روی پل» با حضور خسرو باباخانی نویسنده اثر، رضا امیرخانی و محمدرضا جوان آراسته سه شنبه چهارم مرداد ۱۴۰۱ ساعت ۱۷:۳۰ در رضاشهر، بین خاقانی ۱۰ و ۱۲، مجتمع شهدای سلامت برگزار خواهد شد.

## زین قند پارسی

علیرضا حیدری|مدرس ویراستاری

● استفاده از شکلک (ایموجی) در فضای مجازی به یک سبک زبانی تبدیل شده است؛ هم به دلیل کم حوصلگی کاربر، هم به دلیل اینکه زبان اشاره گاهی تمام کننده خواسته کاربر و نویسنده است.

با این حال، باید یک موضوع مهم را از یاد نبریم؛ حواسمان باشد به اندازه کافی گرفتار فقر واژگانی هستیم و این شکلک ها ما را فقیرتر نکنند. استفاده بیشتر از شکلک ها به جای واژه و جمله های عاطفی، ممکن است ما را تنبل کند و کلمه های بیشتری را به بایگانی بسپاریم.

#زین_قند_پارسی

نگاهی به کتاب «باورهای عامیانه مردم ایران» به بهانه درگذشت مؤلف آن

غوص کردن در باورهای کهن مردم ایران

یادبود

خادم|سکته قلبی، علتی شایع برای مرگ است، اما تکرار مرگ دلیلی برای دریغ نخوردن بر جان های عزیز از دست رفته نیست. دکتر حسن ذوالفقاری یکی از جان های گرامی بود که اجل به بهانه یک سکته قلبی او را از جامعه فرهنگی و ادبی کشور گرفت. نگاه به نام های بیش از چهل اثر به جا مانده و وزن دار دکتر ذوالفقاری یادآورمان می شود که از دست دادنش چه خراشی است بر پیکره ادبیات و فرهنگ ایران.

«باورهای عامیانه مردم ایران» که اثری است سترگ و مهم در شناخت فرهنگ و باورهای مردم ایران یکی از مهم ترین آثاری است که از او به جای مانده است. کتابی که به گفته خودش، سقف کار کتابخانه ای است که می شود انجام داد.

در دیباچه این کتاب ۱۱۶۳ صفحه ای آمده است: باورهای هر قوم با فرهنگ آن قوم ارتباط مستقیم دارد. باورها بنیادی ترین مبانی جهان بینی انسان را در خود دارد. با تحول باورها، فرهنگ نیز گرایش و سمت و سوی دیگری به خود می گیرد، بنابراین با شناخت تحولات رخ داده در باورهای اقوام، به فرهنگ آن قوم می توان پی برد. ذوالفقاری در گفت وگویی درباره اهمیت باورهای عامه و جمع آوری آن گفته است: بخش مهمی از فرهنگ و فولکلور، باورهای مردم است. این باورها در زندگی مردم به شکل عملی گاهی تعیین کننده است، یعنی گاهی براساس یک باور - چه درست و چه غلط - انسان ها در زندگی شان تصمیم می گیرند که کاری را انجام بدهند یا انجام ندهند. گاهی این باور مسیر زندگی شان را عوض می کند، به همین دلیل یکی از اساسی ترین و بنیادی ترین مباحث مربوط به جهان بینی انسان است. باور عامیانه مردم تا حدی مهم است که می توانیم بگوییم زیرساخت فولکلور، همین باورهاست. اگر بتوانیم باورهای یک قوم را خوب بشناسیم، می توانیم به فرهنگ آن قوم دست پیدا کنیم. پایه خیلی مسائل دیگر هم همین باورها هستند و با استفاده از آن ها می توان مسائل را کشف کرد، به عنوان نمونه تحولات فکری، اجتماعی، سیاسی و....

ذوالفقاری در این کتاب، پس از مقدمه، در بخش «درآمدی بر باورهای عامه» به طور مفصل به شرح و توضیح «باور عامه» و «فولکلور» می پردازد تا تعریفی روشن و شفاف از این مقوله و آنچه کتاب سعی در جمع آوری آن داشته است بپردازد. این کتاب ۱۱ هزار باور در ۶۵۰ مدخل را در اختیار مخاطب قرار می دهد که به مثابه نقب زدن به باورهای دیرینه و کهن مردم ایران است. باورهایی که برخی منسوخ و برخی هنوز زنده اند، اما به هر روی مرور آن ها چه برای مخاطب عام علاقه مند و چه برای پژوهشگر و جامعه شناس و... می تواند جالب و پر نکته باشد.

از دیگر آثار به جا مانده از زنده یاد دکتر حسن ذوالفقاری می توان به فرهنگ بزرگ ضرب المثل های فارسی، داستان های امثال، سردلبران، ادبیات مکتب خانه ای ایران، ادبیات داستانی عامه، افسانه های پهلوانی ایران: معرفی و تحلیل شصت افسانه منظوم و منثور پهلوانی ادب فارسی و فرهنگنامه داستان های متون فارسی اشاره کرد که برخی از این آثار با همکاری دیگران نوشته شده است.

نقد فرهنگی

نمایش پویش‌ها

محمدجواد استادی
پژوهشگر مطالعات فرهنگی

هر جامعه ای که بتواند بر مدار عقلانیت و شناخت درست مسائل حرکت و بر اساس آن کنش و واکنش های خویش را تنظیم کند، توانایی پویایی و زیست متعالی بیشتری خواهد یافت. کنشگری های اجتماعی برآمده از پرگاره احساسات و گسترش عاطفه‌گرایی منهای خردگرایی گزند هر نظام اجتماعی است. جامعه ایرانی از جمله جوامعی است که به دلیل ساختار تاریخ انسانی ویژه آن و ژنوم فرهنگی و شخصیتی ویژه اش، به شدت بر بنیاد رویکردهای عاطفی قرار دارد، تا بدان جا که می توان گفت شخصیت ایرانی، شخصیتی احساسی است. حتی بازبینی ای بر دیدگاه گردشگران خارجی که در طول تاریخ به ایران سفر کرده اند، به خوبی نشان می دهد که در توصیف ایشان از ایرانی ها، جنبه کنش های احساسی ایشان بسیار آشکار است. افزون بر آنکه باید دقت کنیم که این موضوع به طبقه یا گروه خاصی نیز تعلق ندارد و یک ویژگی همگانی در جامعه برشمرده می شود. این ویژگی در دوره جدید که فناوری های ارتباطی، توسعه ای دوچندان داشته است و به دلیل گسترش شگرف شبکه های اجتماعی بر بنیاد فضای مجازی دسترسی افراد به اخبار و اطلاعات بسیار گسترده تر شده، ظهور و بروز بیشتری یافته است. همچنین نمود و نمایش واکنش های احساسی باز هم به یاری همین شبکه های اجتماعی بسیار بیشتر و گسترده تر از گذشته است.

چه آنکه پیش تر واکنش ها محدود به یک جغرافیای خاص و حتی احتمالاً افراد مشخصی نسبت به هر کنش و رویداد بود، ولی امروز واکنش های همگانی به گروه ویژه یا جغرافیای مشخصی تعلق ندارد. اظهارنظرهایی که توده مردم نسبت به بسیاری از پدیده های اجتماعی از خویش بروز می دهند و معمولاً بر پایه تخصص یا دامنه کاری ایشان نیست، نشانی از همین موضوع است.

هرچند احساس گرایی در ذات خود امری منفی نیست، ولی اگر از بنیاد خردگرایی فاصله گیرد و در محور خرد، کاردانی و در نظر گرفتن همه جوانب یک امر یا مسئله نباشد، وضعیتی آسیب زا و چالشی ایجاد خواهد کرد. از این روی هرگاه انسان عاطفی بتواند کنش های خویش را در یک نظام دانشورانه تنظیم کند، می توان شاهد توسعه اجتماعی بود.

در روزگار معاصر که مسئله «مدنیت» و حضور پویای مردم در امور اجتماعی و به نوعی مهار قدرت، به شدت مورد تأکید گروه های گوناگون است، الگوهای گوناگونی به عنوان زمینه ساز این حضور مدنی و به عبارت دیگر کنش های اجتماعی تعریف شده است. پویش های اجتماعی یکی از برجسته ترین اقدامات امروزینی است که برای فعال سازی حضور گروه های گوناگون مردم در یک موضوع مشخص و با هدف تأثیرگذاری و ایجاد دگرگونی در آن حوزه تعریف شده است. این پویش ها در گام های نخست وابسته به حضور و کنش فیزیکی افراد بود، ولی شکل گیری فضای مجازی، پویش ها و اهمیت آن ها را دچار دگرگونی جدی کرد. پویش های مجازی، محدودیت و کاستی های پهنه واقعی را نداشته و حوزه حضور گسترده تر گروه ها و طیف های گوناگون برای کنشگری نسبت به دستمایه ای مشخص را فراهم ساخت.

آشکار است که پویش های مجازی و سرعت تولید درون مایه در درون آن ها می تواند با آسیب هایی همراه باشد. این آسیب آنجایی مشخص است که همه گروه های مردمی بدون در نظر گرفتن تخصص و بدون آگاهی از زمینه های بن مایه ای نسبت به یک موضوع ورود می کنند. طرح مسائل به طور همگانی و زمینه سازی واکنش همه گروه ها و کنش های عاطفی و هیجانی موجب آسیب های جدی به دریافت عمومی جامعه و ایجاد چندقطبی های احتمالی خواهد شد.

طرح بسیاری از موضوع های تخصصی در فضای مجازی و اظهارنظر غیر متخصصان در آن حوزه یک آسیب گفتمانی است. راهکار حل این آسیب گسترش تفکر انتقادی با رویکرد ایجاد پرسش های منطقی در هر موضوع برای افراد است تا بر بنیاد هیجان و بدون اطلاع، در هر موضوعی ورود نکنند. گسترش سواد رسانه ای برای حضور پویا و عقلایی در فضای مجازی نیز دیگر راهکار اساسی این حوزه است.

کتاب خوان

خاطره های ناب پارسی

«یادها و دیدارها» نوشته ایرج پارسی نژاد نوعی دفتر خاطرات است که از سرگذشت شخصیِ نویسنده اش فراتر رفته است و وقایع دورانی از فرهنگ و ادبیات و هنر ما را روایت می کند. مؤلف این کتاب که قالب زندگی نامه خودنوشت نیز دارد، فرهنگ نیم قرن ایران را فشرده به قلم آورده و از سرآمدان ادبیات و هنر نوشته است؛ اما این بار از زبان یک آشنای نزدیک و از خصلت هایی که کمتر به دید مورخان می آید. پارسی نژاد از دوران تولد و دوران مدرسه آغاز می کند و به مقاطع دیگری از زندگی اش می رسد. پارسی نژاد از استادان برجسته زبان و ادبیات فارسی است که شهرتی فراتر از مرزهای ایران و گستره زبان فارسی دارد و در دانشگاه های معتبر جهان تدریس می کند. حالا می شود گفت تلاش های او برای عمق بخشیدن به معنای «نقد ادبی» در زبان فارسی، سابقه ای نیم قرنی یافته و بر اعتبار استاد افزوده است.

او در این کتاب ضمن شرحی از زندگی و زمانه اش، از نسبتش با ستاره های پرنور آسمان فرهنگ ایران سخن می گوید؛ از فریدون آدمیت گرفته تا سیروس پرهام و ایرج افشار و شاهرخ مسکوب تا عبدالرحیم جعفری بزرگ بنیان گذار انتشارات امیرکبیر و محمدرضا شفیعی کدکنی و بزرگان دیگری که در این نیم قرن و بیش، با پارسی نژاد سلام و علیک یا رفت و آمدی داشته اند که او هر کدام را به صورت مجزا شرح داده و مبسوط به همه آن ها پرداخته است.

نیم‌دانگ از پیونگ‌یانگ

دوازده سال پیش بود که رضا امیرخانی «جانستان کابلستان» را در نمایشگاه کتاب سال ۱۳۸۹ منتشر کرد و حالا دو سالی می شود که از نوشتن سفرنامه آخرش گذشته است. «نیم دانگ پیونگ یانگ» که سومین سفرنامه رسمی نویسنده اش به حساب می آید، حال و هوای آشنای قلم امیرخانی را تداعی می کند و برای علاقه مندان به قلم این نویسنده، اتفاقی خوب است؛ یک کتاب سرحال؛ درست همان چیزی که از امیرخانی انتظار می رود. با اطمینان می شود گفت مرموزترین و بسته ترین کشور جهان، کره شمالی است که هفت دهه به روی همه جهان بسته بوده است. بنابراین هر نوشته ای که از درون این کشور خبر دهد، ارزشمند است. باید گفت گزارش رضا امیرخانی از کره شمالی کیفیت ممتازی ندارد و این البته از ارزش تلاش های او نمی کاهد. زیرا سوژه آن قدر سخت و پیچیده و بسته و امنیتی است که نویسنده ای از کشور دوست را هم پس می زند و نمی گذارد همه واقعیت های موجود را ببیند. او تا جای ممکن هم خطر می کند و چندباری تلاش می کند بدون هماهنگی و اطلاع میزبان همیشه همراه، با مردم ارتباط بگیرد، اماکن معمولی را ببیند، به مکان های ممنوعه برود و... می گویند کره شمالی کشوری واقعاً بسته است. اینترنت و هر منفذ دیگری برای ارتباط با بیرون، تحت کنترل شدید حزب حاکم است، اما برخلاف انتظار، مردم کره مردمی به ستوه آمده نیستند. آنان اساساً امکانی برای مقایسه خود با دیگران ندارند و بنابراین نمی توانند ناراضی باشند! کار امیرخانی یک گزارش خواندنی از کره شمالی است، اما نه گزارشی شش دانگ. به هر حال اکنون نیم دانگ بیشتر از کشوری می دانیم که از سال ۱۹۶۰ منجمد شده است.

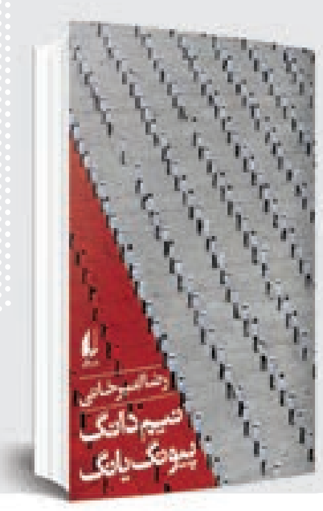

یادداشت

عشق پرطنز سعدی!

مهدی محمدی
طنزپرداز

شما را نمی دانم، ولی دبیرهای ادبیاتی که من در طول دوران تحصیلم داشتم همگی تمام اشعار عاشقانه شعرای قدیم از جمله حافظ و سعدی را یک عشق غیرزمینی و آسمانی می دانستند، البته حق هم داشتند اشعار این شعرا آن قدر زیبا و دلربا هستند که آدم حیفش می آید بگوید این اشعار درباره عشق زمینی بودند! یک نکته جالب در اشعار عاشقانه سعدی وجود دارد و آن این است که هر ابراز عشق و محبتی به معشوقش کرده است، یک مضمون طنز هم داخلش دارد. یک جایی سعدی مدعی است که به قول ما امروزی ها حلال و حرام سرش می شود، ولی وقتی این بیتش را می خوانیم، می بینیم حلال و حرام این شاعر قرن هفتمی با حرام و حلال ما ۱۸۰ درجه تفاوت دارد:

من آن نیم که حلال از حرام نشناسم/شراب با تو حلال است و آب بی تو حرام سعدی در تعریف و تمجید از معشوق و به دست آوردن دل او واقعاً هنرمند است و اول به معشوقش می گوید: توی آینه خودت رو ببین که چقدر زیبایی، ولی بلافاصله در مصرع بعدش می گوید: اصلاً ولش کن، تو اگر خودت را ببینی دیگه به ما نگاه هم نمی کنی:

تو در آینه نگاه کن که چه دلبری ولیکن/تو که خویشتن ببینی نظرت به ما نباشد! سعدی در اشعارش هیچ گاه خطاب به معشوقش نمی گوید: چرا این کار رو کردی و همیشه حق را به محبوب خود می دهد، حتی اگر معشوق بخواهد سعدی در رسیدن به او ناکام بماند.

اگر مراد تو ای دوست بی مرادی ماست/مراد خویش دگرباره من نخواهم خواست

سعدی حتی اگر خودش با کسی غیرمعشوق خودش بوده باشد هم می تواند دلیل بیاورد و بگوید: اگر پای کس دیگری در میان است فقط زبانی بوده، ولی عشق من و تو متفاوت است و برآمده از دل و جان است.

نه خلاف عهد کردم که حدیث جز تو گفتم/همه بر سر زبانند و تو در میان جانی! ابیات عاشقانه و در عین حال طنز سعدی بسیار هستند. خلاصه اینکه فن بیان سعدی خیلی عالی بوده است و به قول امروزی ها از آن هایی است که مار را با زبان خوش از سوراخش می کشد بیرون!